

# نظری به دامنه خدمات بیت‌العدل اعظم الهی\*

علی نخبجوانی

مقدمه

هنگامی که در چهارم نوامبر ۱۹۵۷ حضرت ولیّ محبوب امرالله صعود فرمودند، خبر این واقعه تمامی عالم بهائی را به لرزه درآورد. طولی نکشید که دومین لطمه که مایه نگرانی بود وارد شد و آن هنگامی بود که حضرات ایادی امرالله اعلام کردند که حضرت شوقی افندی وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشته و احدی را وصیّ و جانشین خود به عنوان ولیّ امر الهی تعیین نفرموده‌اند، و کلیه اغصان نیز نقض عهد کرده‌اند. **"اولین اثر"** پی‌بردن به این واقعیت آنها را **"به ورطه ناامیدی افکند"** حارسان، ص ۶۶).

بعد از تشکیل بیت‌العدل اعظم، طولی نکشید که پیامی (به تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۶۳) از آن معهد اعلیٰ خطاب به عالم بهائی شرف صدور یافت. در این پیام ذکر شده است که بیت‌العدل اعظم **"به این نتیجه رسید که طریق تعیین ولیّ ثانی امر بهائی، وصیّ حضرت شوقی افندی ربّانی، به کلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین منّ هو بَعْدَهُ را میسر سازد، بالمرّه مفقود است"** (ارکان، ص ۸۳). احباء در جمیع نقاط، با تأمل و تفکر بر این پیام، به زودی دریافتند که محتوای الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را به خوبی درک نکرده بودند.

بنا بر این تکلیف احبّاء کاملاً روشن و واضح بود، بدین معنی که باید منتظر "هدایت" بیت‌العدل اعظم می‌ماندند تا به توضیح و تشریح آنچه که یقیناً در زمره "مسائل مبهمه" (وصایا، ص ۴۷۷) قرار داشت، پردازد. شجرانتظارات احبّاء زمانی به بار رسید که بیت‌العدل اعظم در جواب سؤالات مطروحه، سه پیام به تاریخ ۹ مارس ۱۹۶۵، ۲۷ مه ۱۹۶۶، و ۷ دسامبر ۱۹۶۹ صادر فرمودند<sup>۲</sup> و برای احبّاء حقایق اساسی زیربنای تکامل نظم اداری امر مبارک را توضیح دادند، و آنها را به این نکته متوجه ساختند که صعود حضرت ولیّ محبوب امرالله بدون انتصاب وصیّ و جانشینی به عنوان ولیّ امرالله و مبین منصوص آیات‌الله، به وضوح امری امکان‌پذیر و رویدادی قابل درک بوده است.

وقتی ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس در سال ۱۹۹۲ انتشار یافت، بیت‌العدل اعظم فرصت را برای توضیح مفاهیم ضمنی بند ۴۲ کتاب اقدس مغتنم شمردند. در رابطه با حکم وصایت و جانشینی در امر مبارک، این بند به صورت بیانی بسیار مهمّ و تعیین‌کننده جلوه می‌کند. حضرت بهاء‌الله در این بند از کتاب اقدس به وضوح زمانی را پیش‌بینی می‌فرماید که هیچ مؤسسه‌ای وجود نخواهد داشت که عهده‌دار فعالیت‌های محوّله به اغصان منصوب و منصوص (یعنی ولایت امرالله) باشد. علاوه بر این، بیت‌العدل عمومی نیز در آن زمان وجود نخواهد داشت و زمان نیز برای انتخاب معهد اعلیّ مقتضی نخواهد بود. این نکات به طور کامل در یادداشت‌های شماره ۶۷ و ۶۸ متن فارسی کتاب اقدس (صفحات ۱۵۲ و ۱۵۳ ملحقات کتاب اقدس) بیان شده است.

## سال ۱۹۶۳

در مورد زمان انتخاب بیت‌العدل اعظم، در پیام ۹ مارس ۱۹۶۵ معهد اعلیّ، که در بالا به آن اشاره شد، نحوه اشاره حضرت ولیّ امرالله به انتخاب بیت‌العدل اعظم را مشاهده می‌کنیم: **"حضرت ولیّ امرالله به جهان بهائی**

**نقشه‌های صریح و مشروح عنایت فرمودند که فقط تا رضوان ۱۹۶۳، یعنی خاتمه جهاد ده‌ساله، امتداد داشت و از آن تاریخ به بعد برای جلوگیری از این که خطری متوجه امر نشود، استمرار هدایت ملکوتی ضرورت داشت"** (ارکان، ص ۲۸۹). اشارات حضرت ولی امرالله در توابع منیعه به نقشه‌هایی که بعد از جهاد روحانی ده‌ساله تحت هدایت بیت‌العدل اعظم مقدر بود تهیه شود، دلیل دیگری در تأیید مناسب و مقتضی بودن زمان انتخاب بیت‌العدل بود. یکی از این اشارات در بیان ذیل از توقیعی است که در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱، خطاب به محفل روحانی ملی جزایر بریتانیا درباره نقشه دو ساله آن محفل که بلافاصله پیش از شروع جهاد روحانی ده‌ساله مجری شد عز صدور یافت:

**انجام موفقیت‌آمیز این نقشه که دروسعت بی‌سابقه و در کیفیت منفرد و از جهت قوای روحانی بسی عظیم است، در مستقبل ایام، در عصر تکوین امرالله، مشروعاتی به دنبال خواهد داشت که تمام محافل روحانی در سراسر عالم بهائی را در نطق خود در خواهد آورد. مشروعاتی که به خودی خود در عهد آینده همان عصر مقدمه طرح و اجرای نقشه‌های جهانی وسیع‌تری است که مقدر است از طرف بیت‌العدل اعظم طرح گردد تا وحدت جامعه را نمودار ساخته مجهودات محافل ملیه را هم‌آهنگ و متحد نماید.** (ارکان، ص ۲۹۰)

تردید نمی‌توان داشت که عبارت "مشروعاتی ... که تمام محافل روحانی در سراسر عالم بهائی را در نطق خود در خواهد آورد" در توقیع فوق، مسلماً به نقشه‌هایی اشاره دارد که حضرت ولی امرالله به هر یک از دوازده محفل ملی عنایت فرمودند؛ محافلی که به عنوان قائدین<sup>۳</sup> نقشه ده‌ساله توصیف شدند. با تصریحی که در بند ۴۲ کتاب اقدس، و نیز در چنین بیاناتی، که در بالا نقل شد، به عمل آمده، به عقیده این عبد، اعتقاد به این که حضرت ولی امرالله واقف نبودند که زمان صعود ایشان در میانه جهاد ده‌ساله خواهد بود، ابداً قابل قبول نیست. لهذا، اگر ایشان ولی امر ثانی را به عنوان وصی خویش

تعیین نفرمودند، و اگر هیکل اطهر، به شیوه سنتی و مرسوم، وصیت‌نامه‌ای مرقوم نفرمودند، آیا منطقی نخواهد بود که استنتاج شود خودداری از مبادرت به اقدام در این موارد فی نفسه اقدامی آگاهانه از سوی ایشان بود؟ گفته شده که حضرت ولی امرالله در محاوراتی که با زائرین داشته‌اند مکرراً فرموده‌اند که توقیع دور بهائی مانند وصیت‌نامه ایشان است. اما، آنچه که در میان تواقیع مبارک بیش از سایر موارد به چنین استنتاجی نزدیک است، مکتوبی است که از طرف هیکل مبارک در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۳۵ خطاب به جناب دکتر مولشگل نوشته شده و در طی آن می‌فرمایند که توقیع مبارک "دور بهائی" عبارت از "متممی ارزشمند" بر الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و نیز کتاب عهدی جمال مبارک است (نور هدایت، ج ۱، ص ۶۵). و اما درباره نبوت دانیال نبی که به سال ۱۹۶۳ مربوط می‌شود، مطلب ذیل را در یکی از الواح حضرت عبدالبهاء زیارت می‌کنیم:

**و اما ما سألت من الآية الموجودة في سفر دانيال، طوبى لمن يرى ألف و ثلاث مائة و خمسة و ثلاثين هذ سنة شمسية ليست بقمرية لأن بذلك التاريخ ينقضي قرن من طلوع شمس الحقيقة و تعاليم الله تتمكن في الأرض حتى التمكن و تملأ الأنوار مشارق الأرض و مغاربها؛ يومئذ يفرح المؤمنون.** (نقل بیان مبارک از صفحه ۲۷۸ بهاء‌الله

و عصر جدید)

در واقع در سال ۱۹۶۳ بود که جامعه جهانی بهائی، طی جهاد هیجان‌انگیز و نیروبخش روحانی ده‌ساله حضرت ولی امرالله توانست نور امر الهی را به سراسر جهان بتاباند، و نه تنها انتصارات منبعث از آن، بلکه ظهور بیت‌العدل اعظم را در مؤتمر جهانی بهائی در لندن جشن بگیرد. به‌علاوه، دو بند از توقیع مبارک که ذیلاً نقل می‌گردد کاملاً می‌تواند به نفس این مضمون مربوط باشد. دو بند ذیل حاوی یکی از اولین اشارات حضرت ولی امرالله به اهمیّت این تاریخ ۱۹۶۳ است، که هیکل مبارک می‌فرمایند

تاریخی است که سرانجام منجر به اتمام "بنای بنیان" رفیع امر مقدس الهی خواهد شد:

ای همکاران عزیز پر ما است که با نظری روشن و همی بلند برخیزیم و در بنای بنیانی مجاهدت نماییم که اساسش را حضرت بهاء‌الله در دل‌های ما نهاده است و پر ما است که از روال عمومی حوادث اخیر، هر چند تاریک و ناگوار به نظر آید، تاب و توان گیریم و امیدوار گردیم و از دل و جان دعا نماییم تا جمال یزدانی آن مقصد آسمانی را، که اعظم نتیجه ذمن و قاد حضرت بهاء‌الله و ابهی ثمره تمدنی است که چشم عالم تا کتون مشاهده نموده، هر چه زودتر در عالم امکان تحقق بخشد.

ای کاش صدمین سال اظهار امر حضرت بهاء‌الله با آغاز چنین عصر درخشانی در تاریخ عالم انسانی مقارن باشد.

(نظم جهانی بهائی، ص ۶۸)

## هماهنگی و انطباق نصوص مبارکه

- از مطلبی که در بالا به اختصار بیان شد سه نکته به وضوح مستفاد می‌شود:
- ۱- در کتاب مستطاب اقدس چنین پیش‌بینی شده که موجودیت ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم در زمان واحد نخواهد بود.
  - ۲- تاریخ انتخاب بیت‌العدل اعظم می‌بایستی در سال ۱۹۶۳، در پایان نقشه ده‌ساله باشد.
  - ۳- این فرضیه یقیناً منطقی است که حضرت شوقی افندی از صعود قریب‌الوقوع خود مطلع بودند.
- حال، توجه به روشی که حضرت بهاء‌الله در کتاب عهدی در ارتباط با سلسله وصایت و جانشینی اتخاذ فرموده‌اند، می‌تواند مفید باشد. در این اثر مقدس، هیکل مبارک تصریح می‌فرمایند که میرزا محمدعلی باید جانشین

حضرت عبدالبهاء بشود. اکنون، این رویه را با آنچه که حضرت عبدالبهاء در بخش نخست الواح مبارکه وصایا اتخاذ فرمودند مقایسه نمایید. طلعت میثاق در این اثر مبارک تصریح می‌فرمایند که، بعد از حضرت شوقی افندی، اغصان انتصابی، نسل اندر نسل، باید به جانشینی هیکل مبارک به عنوان ولایة امرالله خدمت نمایند. به نظر این عبد در اینجا تشابه روش وجود دارد؛ از این لحاظ که دستور استمرار شیئی صادر شده ولی کشف این مقصد که عدم تحقق آن شیئی باعث امتحانات یاران خواهد شد مکتوم مانده است. اشاره حضرت ولی امرالله در آثارشان به "**ولایة آئینة امرالله**" را، به نظر این عبد، کاملاً می‌توان به همان میزان و روش محسوب نمود تا همه در میقات معین از لحاظ وفاداری و تمسک به عهد و میثاق الهی مورد امتحان قرار گیرند.

آیا این تشابه روش ما را به یاد کلید زرینی نمی‌اندازد که حضرت ولی امرالله برای باز کردن قفل از یکی از اسرار و رموز الواح مبارکه وصایا به ما عنایت فرمودند؟ هیکل مبارک خطاب به ما خاطر نشان فرمودند که مطالعه نصوص موثقه در آثار حضرت بهاءالله و نیز زیارت آثار حضرت عبدالبهاء "**نشان می‌دهد که هر دو با یکدیگر ارتباطی نزدیک دارند و هر دو مقصدشان یکی است و دارای روش واحدی هستند**" (نظم جهانی، ص ۰۸).

آیا باز هم ما را نسبت به هشدار حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب ایقان متذکر نمی‌سازد، "**امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت ... ممتاز و معلوم شود**" (ایقان، ص ۷) و نیز در همان کتاب مستطاب می‌خوانیم، "**مقصود امتیاز حق از باطل ... است؛ این است که در کل حین امتحان‌های متزکه از جانب رب‌العزّه چون غیث ماطل بجاری است**" (ایقان، ص ۰۴۱).

**چه مرجعی حیطة اختیارات را محدود می‌سازد؟**

حضرت ولی امرالله در توقیع مبارک دور بهائی خاطر نشان می‌فرمایند که یکی از وظائف ضروریّه ایشان تمهید "**تعیین حدود و وظائف تعینیّه متخین**"

**است** (ارکان، ص ۵۶). بدیهی است که در اینجا اشاره هیکل مبارک به  
اعضاء منتخب محافل روحانی محلی، انجمن‌های شور روحانی ملی، محافل  
روحانی ملی و نیز بیت‌العدل اعظم است.  
این وظیفه ولایت امرالله تا حدی در زمانی اجرا شد که، تحت هدایت هیکل  
مبارک، اساس‌نامه‌های محافل روحانی محلی و ملی تدوین و در دوران  
قیادت مبارک ایشان به مرحله اجرا درآمد. آنچه که باقی می‌ماند حدود و  
ثغور فعالیت بیت‌العدل اعظم بود. عباراتی که حضرت عبدالبهاء در الواح  
مبارکه وصایا به کار برده‌اند فوق‌العاده است. طلعت میثاق مرقوم فرمودند،  
**"ولی امرالله و بیت عدل عمومی ... آنچه قرار دهند من عندالله است"**  
(وصایا، ص ۴۶۷). هیکل مبارک افزودند **"بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا به  
اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مرادالله است"** (وصایا، ص ۴۷۷).  
حضرت ولی امرالله برای تتمیم و تکمیل وظیفه خود، به عنوان مبین این  
کلمات در رابطه با فعالیت بیت‌العدل اعظم، در "دور بهائی" چنین مرقوم  
فرمودند:

**تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد  
تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که  
حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیرمنصوصه  
حضرت بهاءالله است. هیچیک از این دو نمی‌تواند به  
حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و مرکز نیز تعدی  
نخواهد نمود. هیچیک در صدد تزییف سئله و اختیارات  
مخصوصه مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته  
است بر نخواهد آمد.** (نقل از ارکان، ص ۵۸)

این مطلب به غایت حائز اهمیت است که حضرت ولی امرالله، ضمن تشریح  
وظیفه خود به عنوان ولی امرالله برای تبیین آیات منزله، در ادامه کلام به  
جامعه، و نیز به عالم انسانی، اطمینان می‌دهند که بیت‌العدل اعظم، زمانی که  
انتخاب شد، **"به حدود مقدس و منصوص"** تبیین، که حق انحصاری و  
مخصوص ولایت امرالله است، **"تخطی"** نخواهد نمود (دور بهائی، نقل از

ص ۱۷۱ جلد اول مجموعه دستخطها). این اطمینانی که حضرت ولی امرالله عنایت کردند، در زمانی که بیت‌العدل اعظم انتخاب شد، کاملاً تحقق یافت و به مورد اجرا گذاشته شد. در قانون اساسی بیت‌العدل اعظم آمده است:

**منشأ بیت‌العدل اعظم و سلطه و اختیار و وظائف و دائره اقداماتش، کل، منبث از آیات متزکه حضرت بهاءالله است. این آیات باهرات با تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و ولی امرالله که بعد از حضرت عبدالبهاء یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه‌اند، کل مجموعاً مرجع واجب‌الاطاعه و اس اساس بیت‌العدل اعظم محسوب.**  
(قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، ص ۳)

باید به خاطر داشت که بیت‌العدل اعظم، غیر از وظیفه حیاتی‌اش به عنوان عالی‌ترین هیأت تقنینیه بهائی، در بند ۴۲ کتاب اقدس توسط حضرت بهاءالله به عنوان مؤسسه اصلی و مرکزی تعیین شده که جامعه بهائی باید بعد از انقطاع سلسله اغصان به آن توجه نمایند. این واقعیت با بیان حضرت ولی امرالله که دو مؤسسه ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم جانشینان برگزیده حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء هستند، تأیید و تصدیق گردید (نظم جهانی بهائی، ص ۲۵). بر مبنای این نصوص، بیت‌العدل اعظم در قانون اساسی خود "مقصد اعلاش" را به عنوان مسؤلیتی بیان نموده که تضمین نماید "قدرت و سیطره الهیه که از مصدر شریعه ربانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد" (ص ۲)، و سپس این عبارت را می‌افزایند، "چون بعد از حضرت شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت امرالله موجود نه، ریاست امرالله با بیت‌العدل اعظم است که معهد اعلی و مرجع اهل بهاء ... است" (ص ۳). مقام و موقف بیت‌العدل اعظم به عنوان مرجع امرالله، بنا به مندرجات قانون اساسی مزبور (ص ۳)، (تا زمانی که به اراده الهیه مظهر امر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد) به قوت خود باقی خواهد ماند.



با توجه به بیاناتی که در بالا نقل شد، این مطلب واضح می‌شود که هدایت الهی همواره شامل بیت‌العدل اعظم است و بنا بر این در ظلّ همین هدایت ربّانی هرگز به حدود و ثغور تبیین آیات تجاوز و تخطی نخواهد نمود، علاوه بر اختیارات تقنینی، مسؤلیت هر آنچه را که باید شامل صلاحیت و وظایف ضروریّه مرجعیّت امرالله باشد نیز به عهده دارد. همچنین، این مطلب نیز بدیهی است که دو زمینه عمده مسؤلیت بیت‌العدل اعظم - یعنی وضع احکام و قوانین و ایفای وظایف مرجعیّت ریاست امرالله - به همان میزان تفکیک‌ناپذیر و ضروری است که در مورد حضرت ولی امرالله، مسؤلیت‌های هیکل مبارک در مقام مبین آیات و مرجع امرالله جدایی‌ناپذیر بود. به این ترتیب، اگر کسی بی‌باکانه بگوید که حیطة اختیارات بیت‌العدل اعظم منحصر به وضع احکام است، چنین فرضیه‌ای به وضوح بی‌اساس و به کلی توجیه‌ناپذیر و ناموجه است.

لذا این نتیجه حاصل می‌شود که هیچ مؤسسه یا فردی نمی‌تواند به درستی تعیین کند که آیا ولی امرالله یا بیت‌العدل اعظم، در هر مقطعی از زمان، داخل یا خارج از محدوده اختیارات خود عمل کرده و یا می‌کنند. این نکته در یکی از توابع حضرت ولی امرالله نیز که در طی آن این حقیقت را در کمال وضوح مطرح فرموده‌اند، مورد تأیید قرار گرفته است:

**در حدّ افراد احباء نیست که حیطة اختیارات ولی امرالله را تحدید نمایند، یا قضاوت کنند که چه زمان از ولی امرالله اطاعت کنند و چه زمان تصمیماتش را قابل قبول ندانند. چنین طرز تلقی و نگرشی، بدیهی است، به آشفتگی و شقاق منجر خواهد شد. از آنجا که ولی امرالله مبین منصوص آیات‌الله است، این مسؤلیت به عهده او است که بیان نماید چه مواردی مربوط به مصالح اصلیه امر الهی است و بنابراین باید از هدایات و اوامر او تمکین و اطاعت کامل و بلا قید و شرط داشته باشند. (ترجمه /**

انوار هدایت، شماره ۱۰۵۰ به نقل از مکتوب ۲۲ اوت  
(۱۹۷۷)

قاعده‌ای که در بالا به وضوح توسط حضرت ولیّ امرالله بیان شده به همان درجه در مورد بیت‌العدل اعظم نیز مصداق دارد، زیرا مواردی که بر مصالح امرالله در ابعاد جهانی تأثیر می‌گذارد به بهترین وجه توسط نفس بیت‌العدل اعظم مورد قضاوت واقع شده درباره آن تصمیم‌گیری می‌شود. همانطور که در بالا اشاره شد، اطمینانی که حضرت ولیّ امرالله در توقیع مبارک دور بهائی، رسماً و در کمال اعتماد به کلیه بهائیان در جمیع نقاط و نیز به کلّ عالم بشری عنایت فرموده‌اند، که بیت‌العدل اعظم ابدأ از حیطة اختیارات خود تجاوز نخواهد کرد، باید حفاظت غایی و تضمین نهایی برای جمیع تلقی‌گردد که مبانی و اساسی که بنای نظم اداری بر پایه‌های آن استوار است، در کمال استحکام و متانت نهاده شده و ثابت و پایدار است.

### آیا بیت‌العدل اعظم قیادت نظامی کامل و عاری از نقص را بر عهده دارد؟

حال محتوا و مفاهیم یکی از فقرات خطیر و حیاتی در توقیع مبارک دور بهائی را مدّ نظر قرار دهیم:

**نظم جهانی حضرت بهاءالله هرگاه از مؤسسه ولایت منفک گردد، ناقص مانده و همواره از اصل وراثت که به فرموده حضرت عبدالبهاء به طور تغییرناپذیر ملازم شریعت الهیه بوده محروم خواهد ماند. و در لوح دیگر خطاب به یکی از احبای ایران، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "در جمیع شرایع الهیه ولد بکر امتیازات فوق‌العاده‌ای داشته حتی میراث نبوت تعلق به او داشت. بدون این مؤسسه وحدت امرالله در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طی دهور احاطه دارد بالمزه بی‌نصیب ماند و هدایتی که**

**بجہت تعیین حدود و وظائف تقنینیہ منتخبین ضروری****است سلب شوه** (نقل ترجمه از ص ۱۶۷ جلد اول

مجموعه دستخطها)

لذا این سؤال قابل توجه است که آیا پایان ولایت امر در نوامبر ۱۹۵۷ تأثیراتی منفی، که در بیان فوق توصیف شده، از خود به جای گذاشت، یا امر مبارک بعد از این واقعه، کامل و بدون ادنی لطمه‌ای بقا یافت و به سیر خود ادامه داد؟

حضرت ولی امرالله یقیناً واقف بودند که سلسله اغصان، زمانی به انتهی خواهد رسید. کتاب مستطاب اقدس در همان بند ۴۲، که به مؤسسه ولایت تلویحاً اشاره نموده، این رویداد را آشکارا پیش‌بینی کرده است. به‌علاوه، حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا، برای استمرار ولایت امرالله در آتیہ ایام در صورتی که سلسله اغصان دچار انقطاع شود، هیچ نوع دستورالعملی ارائه نمی‌فرمایند. بنابر این کاملاً واضح است که این بیان در توقیع "دور بهائی" نمی‌تواند دالّ بر آن باشد که بدون سلسله ولایة امرالله در تمامی دور مبارک بهائی امر مبارک دچار لطمه یا ضربه شدید خواهد شد. حال بیان فوق را چگونه باید درک نمود؟

با توجه به بیانی که بلا فاصله بعد از عبارت فوق آمده یعنی همان قسمتی که به بیت‌العدل اعظم اشاره دارد که اگر از نظم جهان‌آرای الهی منتزع گردد، این نظم بدیع فلج شده از جریان باز خواهد ماند، کاملاً معلوم میشود که حضرت ولی امرالله روی مرکزیت این دو مؤسسه تأکید شدید فرموده‌اند که وظایف اساسی و ضروری خود را اجرا نمایند.

بنابر این باید نکات گوناگونی را که حضرت ولی امرالله مطرح فرموده‌اند مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم و آنها را به دوران قیادت هیکل مبارک مرتبط سازیم و آنچه را که در اثر غیبت ایشان می‌توانست حادث شود ملاحظه نماییم. نکات مزبور ذیلاً به اختصار ذکر شده و بعد از هر یک ملاحظاتی معروض و نظری ابراز می‌گردد:

۱- بدون ولایت امرالله، نظم جهانی از اصل توارث محروم می‌ماند.

**ملاحظات:** سی و شش سال ولایت یقیناً نظم جهانی را از موهبت این فیض عظیم برخوردار نمود.

۲- بدون ولایت امرالله، نظم جهانی در مخاطره می‌افتاد.

**ملاحظات:** اگر حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا مقام ولایت امرالله را به عنوان جانشین بلافصل خویش منصوب نفرموده بودند، میرزا محمدعلی، با استفاده از نص کتاب عهدی جهت پیشبرد مقصد خود، هرج و مرجی در جامعه ایجاد می‌کرد.

۳- بدون ولایت امرالله، منزلت نظم جهانی کاستی می‌یافت.

**ملاحظات:** حضرت عبدالبهاء با تعیین ولیّ امرالله به عنوان "رئیس مقدّس" بیت‌العدل (وصایا، ص ۴۷۱)، و به علّت این شرط که ولیّ امرالله "نمی‌تواند مصوّبات" بیت‌العدل را رد کند (دور بهائی، نقل از ص ۱۷۲، جلد اوّل دستخطها)، بر وقار و اعتبار معهد اعلیٰ افزودند (نظم جهانی، ص ۱۳).

۴- بدون ولایت امرالله، نظم جهانی از وسعت بینش و بصیرت حضرت شوقی افندی محروم می‌ماند.

**ملاحظات:** کتاب "قرن بدیع" (گاد پاسز بای) اثر حضرت ولیّ امرالله چشم‌اندازی تاریخی فراهم می‌آورد که صد سال اوّل تاریخ امر بهائی را در برمی‌گیرد. حضرت ولیّ امرالله تحلیل و تبیینی ارزشمند از این تاریخ ارائه می‌دهند و آن را با وقایع عمده قرن مرتبط می‌سازند. به یمن توابع نظم جهانی حضرت ولیّ امرالله نیز تصویر جالب توجه و خیره‌کننده ایشان از آینده، و مراحل که به تحقق آن منجر خواهد شد، برای یاران تشریح فرمودند.

۵- بدون ولایت امرالله، مؤسّسات انتخابی امرالله، در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، از هدایت ولیّ امرالله محروم می‌ماند.

**ملاحظات:** همانطور که در سطور فوق اشاره شد، حضرت ولیّ امرالله برای تدوین اساسنامه‌های تشکیلات ملی و محلی بهائی هدایت‌هایی فرمودند. اما در مورد قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، با توجه به این شرط که ولیّ امرالله "به تنهایی ممنوع از تدوین اساسنامه‌ایست که برای تمشیت امور و

**ایفای وظائف بیت عدل لازم است** "دور بهائی، ص ۸۳)، حضرت شوقی افندی در توقیع منبع "دور بهائی" این مطلب را روشن فرمودند که جمیع تبیینات موثق و مستند ولایت امرالله و تشریحات قاطعه بیت‌العدل اعظم، یعنی صلاحیت‌های واجب‌الاطاعة دو جانشین حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، هر یک در مقام مخصوص خود معتبر و الزام‌آور است.

### **بیت‌العدل اعظم چگونه می‌تواند مطمئن شود که تصمیمات متخذه‌اش بر خلاف روح تعالیم الهی نیست؟**

عبارتی در "دور بهائی" که این موضوع را به میان می‌آورد ذیلاً نقل می‌گردد:

**هر چند ولیّ امر رئیس لا ینعزل این مجلس فنجیم است  
معهدا نمیتواند بنفسه حتی بطور موقت واضح قوانین و  
احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الفا  
نماید و لیکن هر گاه تصمیمی را وجداناً مابین با روح  
آیات منزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر  
آن نماید.) دور بهائی، ص ۸۳)**

برای آن که به نحوی مستوفی مفاهیم ضمنی این عبارت را دریابیم، ابتدا باید معنی یا معانی واژه "enactment" یا ریشه آن، یعنی "enact" را بفهمیم. در فرهنگ لغت وبستر، فعل enact به هر اقدام و عمل قانونی اطلاق میشود و همچنین به تصویب نهائی "لایحه" یا تصویب پیش‌نویس حقوقی و تبدیل آن به قانون نیز گفته می‌شود. بدیهی است که در عبارتی که از "دور بهائی" نقل شد، معنای اول مد نظر است، زیرا در عبارتی قاطعانه در همین جمله به وضوح تأکید شده که وقتی تصمیم نهایی گرفته شود، ولیّ امرالله آن را **"نمی‌تواند الفا نماید"** یا مانع از اجرای چنین تصمیمی شود. به این ترتیب موضوع تجدید نظر قدمی است که باید در جریان رسیدن به تصمیم نهایی برداشته شود.

در قانون اساسی بیت‌العدل اعظم این موضوع منظور شده است. بیت‌العدل اعظم رسماً اعلام نموده که در غیاب ولیّ امرالله از شرایط ضروریه و الزام‌آور و آنچه اسّ اساس آن تصمیمات محسوب میشود **"تبیینات و توضیحات"** حضرت ولیّ امرالله است. (قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، ص ۳)

به‌علاوه، بیت‌العدل اعظم در مکتوبی به تاریخ ۲۷ م ۱۹۶۶ اطمینان می‌دهند که **"بیت‌العدل اعظم برای این که در موضوعی بنخواهد وضع قانون نماید، این عمل قانون‌گذاری همیشه مسبق به تمعّن دقیق در آثار و تبیینات مبارکه می‌باشد."** در همین مکتوب، بیت‌العدل اعظم تأیید می‌فرمایند که، **"بیت‌العدل اعظم با این که متکی به هدایت الهیه است، به خوبی خبیث ولیّ امرالله را درک می‌کند و تنها موقمی به وضع قانون می‌پردازد که از حدود حوزه حاکمیت و اختیار خود مطمئن باشد؛ حوزه حاکمیتی که حضرت ولیّ امرالله مؤکداً درباره آن می‌فرمایند: «به کمال وضوح تعیین و تصریح گردیده است.»"** (مجموعه دستخطها، ج ۱، ص ۳۰۶).

به نظر این عبد، با توجه به بیاناتی که از قبل نقل شد، وصول به این استنتاج نباید مشکل باشد که بیان حضرت ولیّ امرالله در "دور بهائی" را بدون شبهه به عنوان یادآوری دانست و در واقع تأکیدی بر، تکلیف قطعی رجوع به تبیینات و توضیحات آن حضرت قبل از مبادرت به وضع احکام تلقی نمود. این اطمینان بالصّراحه در عبارات فوق که در پیام بیت‌العدل اعظم مندرج گشته، به عالم بهائی داده شده است.

### دامنه وسیع مسؤولیت‌های بیت‌العدل اعظم به عنوان مرجع امرالله

با توجه به آثار حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله این مسؤولیت‌ها شامل وظائف و صلاحیت‌هایی است که ذیلاً فهرست‌وار ذکر می‌گردد:

- ۱- حفظ وحدت جامعه (دور بهائی، ص ۷۸)؛
  - ۲- حلّ جمیع آنچه که در آن اختلاف واقع شده (وصایا، ص ۴۷۷)؛
  - ۳- صیانت اصالت تعالیم مبارکه (دور بهائی، ص ۷۹)؛
  - ۴- توضیح مسائل مُبهمه (وصایا، ص ۴۷۷)؛
  - ۵- حفظ انعطاف‌پذیری تعالیم مبارکه (دور بهائی، ص ۷۹)؛
  - ۶- ترویج اصول و اجرا و تنفیذ احکام الهیه (نظم جهانی، ص ۲۵ و دور بهائی، ص ۷۳)؛
  - ۷- محافظه مؤسّسات امریه (نظم جهانی، ص ۲۵)؛
  - ۸- تطابق حکیمانۀ امرالله با مقتضیات زمان و نیازهای جامعه مترقی جهان (نظم جهانی، ص ۲۶)؛
  - ۹- تمشیت امور اداری امرالله (دور بهائی، ص ۸۸)؛
  - ۱۰- حلّ مسائل مُشکله (وصایا، ص ۱۴) و جمیع سؤالات مهمه و اساسیه (*Bahá'í Administration*، ص ۴۷)؛
  - ۱۱- تأسیس مؤسّسات بدیعه (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۳۲۹)؛
  - ۱۲- استنباط از آثار مقدّسه و نصوص محکمۀ الهیه (رحیق مختوم، ج ۱، ص ۳۰۳)؛
  - ۱۳- تنظیم، اجرا و هدایت نقشه‌های تبلیغی (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۳۴۰)؛
  - ۱۴- ایفای وظائف آخرین ملجأ و پناه تمدنی رو به زوال (توقیع "امریکا و صلح اعظم"، ترجمه هوشمند فتح‌اعظم، نشر ایران، ص ۶۳)؛
  - ۱۵- تحقّق میراث خلل‌ناپذیر الهی که بانیان بنیان امر یزدان به عالم امکان عطا فرموده‌اند (نظم جهانی، ص ۲۶).
- چون بیت‌العدل اعظم، بعد از حضرت ولیّ امرالله عهده‌دار مرکز قیادت امرالله و هیأتی است که "**مراجع کلّ امور است**" (وصایا، ص ۴۷۱)، صلاحیت آن را دارا بود که تأسیسات جدید احداث کند تا "**صیانت و**

## ترویج امرالله" تضمین گردد و ترتیبی برای "وصول و صرف حقوق‌الله"

اتخاذ نماید (قانون اساسی بیت‌العدل، ص ۳).

آنچه را که معهد اعلیٰ در زمره "وظائف و اختیارات مختصه بیت‌العدل اعظم" (قانون اساسی، ص ۳) تلقی می‌کند، رؤوس آن در پنج بند در قانون اساسی بیت‌العدل اعظم ذکر شده است. محتوای این بندها، بدون استثناء، مبتنی بر، و منبعث از، الواح نازله از یراعه عظمت حضرت بهاء‌الله و آثار صادره از کلک اطهر حضرت عبدالبهاء، و توابع صادره از قلم مبارک حضرت ولیّ امرالله است. این موارد مربوط به مسؤولیت‌های معهد اعلیٰ در مواضعی چون صیانت نصوص مقدسه، مدافعه و محافظه امر مبارک، اعلان و انتشار پیام امرالله، ترویج مصالح امریه، استقرار صلح عمومی، تکمیل بنای نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی، حفظ حقوق شخصی افراد، تأمین ابتکار و آزادی آنان، و تلاش برای ترقی و اصلاح عالم است. سه بند آخر نیز به اختیارات تقنینی، اجرایی و قضایی که به مؤسسه بیت‌العدل اعظم محول شده، اختصاص یافته است.

## مقصود از اطاعت بلا شرط چیست؟

حضرت بهاء‌الله در بشارت سیزدهم از لوح مبارک بشارت

می‌فرماید:

امور ملت معلق است به ربحال بیت عدل الهی ... چون که هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی، لذا امور به وزرای بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند، معمول دارند. نفوسی که لوجه‌الله بر خدمت امر قیام نمایند، ایشان ملهمند به الهامات غیبی الهی؛ بر کلّ اطاعت لازم.) مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۲۲ / این بیان مبارک عیناً در اشراق هشتم [مجموعه اشراقات، ص ۷۹] نیز تکرار شده است.)



مضافاً، در ورق هشتم از کلمات مبارکه فردوسی می‌خوانیم، "باید امنای بیت عدل مشورت نمایند ... إِنَّهُ يُلْهِمُهُمْ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْمُدَبِّرُ الْعَلِيمُ" (مجموعه اشراقات، ص ۱۲۳).

در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء متوجه اصرار طلعت میثاق می‌شویم که از احباء می‌خواهند به بیت‌العدل اعظم توجه نموده از هداياتش تبعیت نمایند. این بیان را در الواح مبارکه وصایا ملاحظه می‌کنیم، "بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود، در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ ... است ... مَنْ ... خَالَفَهُمْ فَقَدْ خَالَفَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَطَّ عَصَى اللَّهِ ... وَ مَنْ نَارَعَهُمْ فَقَدْ نَارَعَ اللَّهَ" (وصایا، ص ۴۶۷). و نیز در همان اثر جلیل آمده است، که در تصمیمات "بیت عدل آنچه ... تحقق یابد همان حق و مرادالله است. مَنْ تَجَاوَزَ عَنْهُ فَهُوَ أَحَبُّ الشَّقَاقِ وَأَظْهَرُ النَّفَاقِ وَأَعْرَضَ عَنْ رَبِّ الْمِيثَاقِ" (وصایا، ص ۴۷۷).

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه اینگونه مرقوم فرموده‌اند:

**بیت‌العدل به الهام و تأیید روح‌القدس قرار و احکام جاری نماید؛ زیرا تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتباعش فرض و مسلم و واجب متحتم است. ابدأ مغزی از برای نفسی نه.** (امر و خلق، ج ۴،

صص ۲۹۹-۳۰۰)

در تثبیت مفهوم عبارت فوق، بیان صریح حضرت ولی امرالله در "دور بهائی" را در تأیید و اثبات بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در خصوص محاط بودن تصمیمات بیت‌العدل اعظم به الهام و هدایت الهیه ملاحظه می‌کنیم که می‌فرمایند، "این نفوس مهابط هدایت و الهامات الهیه‌اند، نه هیئت متخین که رأساً و یا بطور غیر مستقیم ایشان را انتخاب می‌نمایند، و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است" (دور بهائی، ص ۸۹).

از این بیانات قاطعه منصوصه باید به کمال یقین و اطمینان بدانیم که در هر موردی که الهام الهی تضمین شده باشد، اطاعت از آن تکلیفی روحانی است. این موضوع به طور کامل در مفاوضات مبارک (فصل ۴۵ - مه) مورد بحث واقع شده است:

**بدانکه عصمت پر دو قسم است عصمت ذاتیه و عصمت صفاتیّه ... عصمت ذاتیه مختص بمظهر کلی است زیرا عصمت لزوم ذاتی اوست ... مثلاً بسیاری از نفوس مقدسه ... واسطه فیض بین حق و خلق بودند. اگر حق آنانرا از خطا حفظ نفرماید خطای آنان سبب گردد که کل نفوس مؤمنه بخطا افتند و بکلی اساس دین الهی بهم خورد و این لایق و سزاوار حضرت احدیت نه. مثلاً بیت‌العدل عمومی ... در تحت عصمت و حمایت حق است ... حال اعضای بیت عدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه و لکن میات بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند.**

این بیان حضرت عبدالبهاء با صراحت و یقین به ما اطمینان می‌بخشد که هرگاه مرجعی در آثار مقدسه مثل الهیه مصون از خطا شناخته شده باشد، تصمیماتی که اتخاذ می‌نماید و هدایتی که به احباء ارائه میدهد لازم‌الاطاعه است. جامعه باید اطمینان داشته باشد که چنین تصمیم یا هدایتی منبث از الهامات الهیه و تأییدات ربّانیه است. اگر جز این باشد، نه تنها دور از شأن خداوند عادل است، بلکه یقیناً نتیجه جز انهدام اساس امر مقدس الهی نخواهد بود.

البته احباء متوجه هستند که اهداف تصریح شده در نقشه‌ها و پیام‌های بیت‌العدل اعظم صرفاً به منظور مساعدت به هدایت ما در امر تبلیغ است. تا آنجا که ما به منویات معهد اعلی تمسک و تشبث داشته باشیم، بیش از پیش موهوب به تأییدات و برکات الهی خواهیم بود.

\* این متن ترجمه و نگارشی است از مقاله:

'*Alí Nakhjavání*, Some Thoughts on the Ministry of the Universal House of Justice, *The Lights of 'Irfán*, Book Ten, 'Irfan Publications, Wilmette, Illinois, USA 2009.

که با همکاری فاروق ایزدی نیا و منوچهر درخشانی تهیه گردیده و توسط نویسنده ملاحظه شده و در دفتر دوازدهم "سفینه عرفان"، انتشارات مجمع عرفان، سال ۲۰۰۹م درج شده است.

### یادداشت‌ها

- ۱- نقل ترجمه از صفحه ۱۷۷ مجموعه دستخط‌های بیت‌العدل اعظم.
- ۲- ترجمه این سه پیام در کتاب ارکان نظم بدیع، به ترتیب در صفحات ۲۸۷-۲۹۹، ۲۹۹-۳۱۰ و ۳۱۰-۳۱۹ درج شده است.
- ۳- "قائدین" ترجمه generals از صفحه ۱۵۸ "دوران قیادت حارسان امرالله" نقل گردید.
- ۴- توضیح مترجم: واژه enactment به معنای وضع قانون، یا تشریح، در بیانی که از "دور بهائی" نقل شده "تصمیم" ترجمه شده است.

### مآخذ

**حارسان:** دوران قیادت حارسان امرالله، ۱۹۵۷-۱۹۶۳،

تألیف ایادی امرالله امة‌البهاء روحیه‌خانم، ترجمه

احسان کاظمی، باهر فرقانی، طبع ۲۰۰۶، سنچری

پرس، استرالیا

**ارکان:** ارکان نظم بدیع، تألیف غلامعلی دهقان، طبع ۱۵۱

بدیع، مؤسسه معارف بهائی، کانادا

**نظم جهانی:** نظم جهانی بهائی، منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولیّ امرالله، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم، ۱۴۶ بدیع، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا

**نظم اداری:** *Bahá'í Administration*، مجموعه توقیعات صادره از قلم حضرت ولی امرالله

**وصایا:** الواح مبارکه وصایا، ایام تسعه، عبدالحمید اشراق خاوری، ۱۲۷ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ایران

**نور هدایت:** *The Light of Divine Guidance* طبع آلمان، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۹۸۲